

## سرود «بود» !

ما در سرای «بود»، نمودی نداشتیم!  
در بزم درد، ساز و سرودی نداشتیم!

با صد ترانه مهر خموشی به لب زدیم  
در هیچ جا نشانه ز بودی نداشتیم!

چنگی نداد در کفمان پادشاه حسن  
در دل هزار ناله و عودی نداشتیم!

گمنام آمدیم و دل افسرده می رویم  
در سر هوای بود و نبودی نداشتیم!

بهر خوشامد کس و ناکس به هیچ روی  
افسانه ای نخوانده درودی نداشتیم!

در آسمان شعر و سخن تا که زنده ایم  
بر اوج بر شدیم و فرودی نداشتیم!

رضا شاپوریان  
جمعه ۲۴ آپریل ۱۹۹۸